



دل نازک‌ترین گلزن جهان

درباره صفر ایرانپاک گلزن قهار دربی‌های سرخابی و قاتل دروازه حجازی که نامش با یک سیلی تاریخی از مدیر پرسپولیس در تاریخ شفاهی فوتبال ایران گره خورده است...

کوبید که لاشه‌اش را از کنار خیابان با کاردک جمع کردند. مردی ذاتا لوطی و یکه‌بزن که هیچ نسبتی با پدر و برادرش که از حقوقدانان و دیپلمات‌های مؤمن روزگار خود بودند نداشت. دست‌های گوشت‌آلودش قدرت فیل را داشت. چه هنگامی که به شوخی، صورت بازیکن انگلیسی‌اش را نوازش می‌کرد چه زمانی که سیلی در گوش آقای گل تیمش می‌کوبید بهترین بود که آدم از خیر زندگی بگذرد. مثل آن روزها که در منزلش واقع در طبقات بالای آپارتمان‌های «آ-اس-پ» تهران که آن زمان برای خودش آسمانخراشی لاکچری محسوب می‌شد ضربه‌ای ریز به شوخی سمت چانه لژیونر انگلیسی‌اش آلن ویتل حواله داد که تا دوماه آخ و اوخ او به آسمان بلند بود. بیچاره آلن مثلاً خواسته بود آن روز شوخی شوخی سر به سرمدیرکلوپش بگذارد. آلن وقتی گارد یک بوکسور بیچاره را جلوی آسانسور گرفت عیده در

جنگالی‌ترین سیلی تاریخ فوتبال ایران

صفر ایرانپاک در عمرش بسیار سیلی‌ها از روزگار خورد اما تاریخی‌ترین کشیده را از علی عبده نوش‌جان کرد. مردی دست‌سنگین که به هر کس سیلی یا مشت می‌زد کبودی‌اش تا آخر عمرش می‌ماند و باید مستقیم می‌رفت مرخصی استعلاجی می‌گرفت و یکراست به اولین درمانگاه مراجعه می‌کرد. مدیر قمرزها بیش از آنکه یک تکنوکرات آمریکادیده باشد یک بوکسور حرفه‌ای در قالب یک بزن‌بهادر جهان‌سومی بود. حتی وقتی لات و لوت‌های شریک اقتصادی‌اش آذرجان، پشت درختی قایم شدند که او را هنگام خروج از رستورانی ناغافل با چاقو ناکار کنند او در همان حال موت، چنان مشت‌تی توی چانه مرد مهاجم

1

فارغ‌التحصیل مدرسه عالی ادبیات، آقای گل باشگاه‌های تهران و ایران در اوایل دهه ۵۰، دارنده کفش طلایی، فاتح سه طلای قهرمانی باشگاه‌های کشور با پیراهن پرسپولیس، قهرمان جام ملت‌های آسیا با تیم ملی (۱۹۷۲) و عضو ثابت تیم ملی در بازی‌های جام جهانی کوچک برزیل، پسری بسیار شکننده و محبوب بود که در اوج فوتبالش در دهه پنجاه، اسیر شگردهای پایا رازی‌های تازه به دوران رسیده شد و کشیده سختی از مدیر باشگاهش خورد که تا ابد جای آن سیلی بر صورتش ماند.

زندگی صفر در سال ۱۳۸۷ در سرمای قندیل‌بندان استکهلم سوئد به پایان رسید و ضدخاطراتش را با سکوت ابدی‌اش در غربت، زیر کفن‌اش جاساز کرد و برد. این پرونده مفصل نه تنها به گل‌های او، نه تنها به سیلی خوردنش از عیده که درباره عاشقیتی که پیشه او بود نیز می‌پردازد:



ابراهیم افشار

Ebrahim Afshar

صفر ایرانپاک پسر محبوب و رمانتیک مسجدسلیمانی از دو بابت در فوتبال ایران بدیل ندارد. اول اینکه به عنوان بهترین گلزن تاریخ شهرآوردهای سرخابی و قاتل دروازه ناصرحجازی به تنهایی هفت بار قفس توری آبی‌ها و هشت بار دروازه ناصرجانش را گشوده است و صدا البته از فرط دل‌نازکی، بعد از اتمام بازی با یک بوسه یا سر زدن به خانه او از دل رفیق عزیزش ناصر درآورده است.